

نقدی بر کتاب «حقوق عمومی در نهج البلاغه»

حسین جوان آراسته*

چکیده

نگارش کتاب حقوق عمومی در نهج البلاغه هم به لحاظ جایگاه والای نهج البلاغه در فرهنگ دینی و هم به جهت جایگاه حقوق عمومی در مقایسه با سایر رشته‌های حقوقی، امری ستودنی است. روش ارزیابی و نقد این اثر، استنادی - تحلیلی و مطابق الگوی پیشنهادی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در چارچوب معرفی کلی، بررسی شکلی و محتوایی اثر است. به لحاظ محتوا، رویکرد اسلامی به حقوق عمومی، تامل گسترده در نهج البلاغه و انطباق صحیح عناوین با نمونه‌های انتخابی در بیشتر موارد را می‌توان از نقاط قوت این کتاب به شمار آورد؛ هرچند این اثر، از عدم نظم منطقی و انسجام محتوایی، فقدان دقت و جامعیت، رنج می‌برد. در برخی از موارد نیز برداشت‌های نویسنده از تعابیر امیر مومنان در نهج البلاغه، قابل تامل است. به‌رغم اهمیت فوق‌العاده حقوق اساسی به‌عنوان مهم‌ترین شاخه حقوق عمومی که انبوهی از موضوعات مربوط به حاکمیت و دولت، نهادهای حکومتی و حقوق ملت، در زیر مجموعه آن قرار می‌گیرد، کم‌ترین مقدار از صفحات به آن اختصاص یافته و مورد بی‌مهری واقع شده است. کیفیت فنی اثر خوب بوده و قواعد عمومی نگارش رعایت شده است؛ با وجود این، نقاط ضعف شکلی اثر عبارتند از عدم سازماندهی مناسب کتاب، عدم رعایت تناسب حجمی فصل‌ها و تفصیل بیش از حد ضمیمه کتاب.

کلیدواژه‌ها: حقوق عمومی، حقوق اساسی، حقوق اداری، حقوق مالی، نهج البلاغه.

*دانشیار حقوق عمومی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. hoarasteh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۵

۱. مقدمه

اندیشه‌های ناب امیر مومنان که به حق باید وی را در کنار ویژگی‌های منحصر به فردش، پیشوای آزادگان در سلوک مادی و معنوی و در عرصه‌های فردی و اجتماعی به شمار آورد، از این نادره دوران، شخصیتی ساخته است که نه تنها در زمانه خود، بلکه برای همه عصرها و نسلها، در همه عرصه‌ها و از جمله آنچه که به مناسبات حوزه عمومی و شاخصه‌های حکمرانی، آزادیهای اساسی، عدالت محوری و بسیاری از مولفه‌های حقوق بشری مربوط می‌شود، الهام بخش بوده و خواهد بود.

در میان رشته‌های حقوق، حقوق عمومی را می‌توان از جوان‌ترین آنها به شمار آورد که ادبیات حاکم بر آن، عموماً غیر دینی است زیرا «برخی از مواد فکری آن مانند حقوق اساسی، مالیه عمومی و حقوق اداری، پس از جنبش مشروطه‌گرایی و تاسیس دانشگاه به تدریج وارد ایران شده است» (گرگی ازندریانی، ۱۳۹۱: ۶). از آن جا که در حقوق عمومی، حد اقل در یک طرف رابطه حقوقی، دولت از آن جهت که اعمال حاکمیت می‌کند قرار دارد، شناخت دولت، مبنای مشروعیت حاکمیت و حکومت، صلاحیت قوا و نهادها و چگونگی ارتباط میان آنها از یک سو و تامین و تضمین حقوق ملت از سوی دیگر، از مهمترین مباحث خواهد بود و مطالعه آن از منظر اسلامی، از بایسته‌هایی است که متأسفانه نسبت به آن اهتمام درخوری صورت نگرفته است. بررسی دیدگاه‌های امیر مومنان، علی‌علیه السلام در ارتباط با حقوق عمومی، از آن جهت ضرورت دارد که آن حضرت نزدیک به پنج سال در جایگاه امامت و خلافت اسلامی، دیدگاه‌هایی را عرضه داشته است که به خوبی بخشهای زیادی از هر سه شاخه مهم حقوق عمومی یعنی حقوق اساسی، حقوق اداری و حقوق مالی را پوشش می‌دهد. بسیاری از این دیدگاهها در مجموعه گرانسنگ نهج البلاغه گردآوری شده و می‌تواند دستمایه بسیار گرانبهائی برای علاقمندان به حقوق به طور عام و استادان و دانشجویان حقوق عمومی به طور خاص باشد. آشنایان به حقوق عمومی به خوبی واقفند که در این زمینه از منظر اسلامی تا چه اندازه با فقر ایده پردازی و طراحی منظومه حقوق عمومی اسلامی مواجهیم.

بدون شک هر گامی که در استخراج مبانی، اصول و مباحث حقوق عمومی از متون اسلامی برداشته شود را باید به فال نیک گرفت و تدوین کتاب «حقوق عمومی در نهج البلاغه» را به نویسندگان تبریک گفت و البته آثاری از این دست، هر چه در بوته نقد و بررسی قرار گیرند، در بالندگی حقوق عمومی در اسلام، نقش مفید و موثر خود را ایفا

کرده و به تدریج می‌توانند ادبیات دینی در این عرصه را شکوفاتر و فربه‌تر سازند. این مقاله با روش نقد استنادی-تحلیلی، به معرفی کلی اثر یادشده و بررسی شکلی و محتوایی آن می‌پردازد با این هدف که بتواند به سهم خود، نویسنده محترم را در بازخوانی کتاب یاری رساند.

۲. معرفی کلی اثر

کتاب حقوق عمومی در نهج البلاغه، در قطع وزیری در ۳۶۶ صفحه (۲۴۰ صفحه متن اصلی و بقیه ضمیمه) از سوی انتشارات خرسندی به زیور طبع آراسته شده و مشتمل بر درآمد، یازده فصل، نتیجه‌گیری، ضمیمه و فهرست منابع است.

درآمد کتاب، اشاره‌ای به حقوق عمومی، شاخه‌های آن، عدم توجه شایسته نسبت به نهج البلاغه در حوزه حقوق عمومی داشته و هدف از تدوین اثر را استخراج و دسته‌بندی مباحث حقوق عمومی در نهج البلاغه دانسته و محتوای فصول را مرور کرده است.

فصل اول به رابطه حقوق عمومی با نهج البلاغه اختصاص یافته و به ارتباط میان این دو از چند منظر اشاره شده است.

در فصل دوم با عنوان «نظریه دولت»، نویسنده تلاش کرده است تا چرایی ایجاد دولت از دیدگاه امیر مومنان را توضیح دهد. مباحثی چون وسیله بودن دولت، مقبولیت مردمی نظام، امانت بودن حکومت، فسادآور بودن قدرت، همبستگی و جامعه مشارکتی، در این فصل مورد توجه قرار گرفته است.

فصل سوم به ویژگیهای زمامداران از منظر علی علیه السلام مربوط است؛ این ویژگیها عبارتند از: پیشرو بودن، سلامت نفس، نفی دنیاپرستی، عدم تزلزل، قاطعیت، شجاعت، فروتنی، بهره‌مندی از تجربه و بینش صحیح سیاسی و اجتماعی.

فصل چهارم کتاب اصول حقوق اداری را در قالب عناوینی چون شایسته‌سالاری، مسئولیت مدنی، اصل انطباق، اصل تناسب، اصل تداوم، شاخصه‌های گزینش مستخدمان، نظم و انضباط، نظارت بر عملکرد، تشویق و تنبیه، تامین مناسب و نیز امکان اعتراض به تصمیمات اداری، از دیدگاه علی علیه السلام به تصویر کشیده است.

در فصل پنجم با عنوان حقوق اساسی، به جایگاه رئیس‌کشور و رعایت عرف‌های سیاسی پسندیده، به اختصار اشاره شده است.

فصل هشتم، معطوف به مباحث حقوق بشر و شهروندی است. تساوی و حمایت از حقوق همه شهروندان، آزادی انسان، حق حیات، حق مالکیت، حریم خصوصی، حق بر توسعه، حق بر آموزش، آزادی بیان و نافرمانی مدنی، عمده مطالب این بخش را شامل می‌شوند.

فصل هفتم به مسائل مربوط به ساختار نظام اختصاص یافته و نویسنده عدم تراکم امور در مرکز، تفویض اختیار و تقسیم کار را در تبیین آن برگزیده است.

در فصل هشتم اصول حکمرانی مطلوب در محورهایی چون مردم داری و سعه صدر، تکریم مردم، بهره مندی از دانش و دوری از خرافه پرستی، شفافیت و صداقت، مشورت عمومی و حاکمیت قانون، مورد توجه قرار گرفته است. در فصل نهم اصول سیاست گذاری و قانون گذاری در قالب عناوینی چون رصد وضعیت شهرها و مناطق مختلف، واقع نگری، بررسی عملکرد گذشته، دقت در نگارش قوانین و مقررات و شناخت نیازهای روز، بررسی شده است.

بایسته های حکمرانی اسلامی، عنوان فصل دهم کتاب است که به اموری چون دوری از شعارزدگی، رعایت اخلاق در سیاست، رعایت انصاف و عدالت، وفای به عهد، لزوم اعتدال، ارتباط مستقیم با مردم، مدارای حد اکثری، صلح و دوری از فتنه انگیزی، نصیحت و خیرخواهی و حفظ سرمایه اجتماعی، پرداخته است.

در فصل یازدهم (فصل پایانی کتاب) به راهبردهای اقتصادی چون حفظ بیت المال و مبارزه با فساد مالی، حمایت از کسب و کار و تامین اجتماعی، اشارت رفته است.

نویسنده در مقام نتیجه گیری با اشاره به این که نهج البلاغه و مفاهیم آن هنوز به اندیشه قانون گذاری و سیاست گذاری ما وارد نشده است، پیشنهاد می کند مبانی حقوق عمومی در نهج البلاغه به عنوان یک درس به دروس مقطع کارشناسی ارشد یا دکتری حقوق عمومی افزود شود. برگزاری همایش هایی در زمینه نهج البلاغه و حقوق عمومی، تدوین کتاب های قواعد فقه حکومتی بر پایه نهج البلاغه و ضرورت بهره مندی بیشتر قانون گذاران کشور از نهج البلاغه، گام هایی هستند که به اعتقاد نویسند کتاب لازم است برداشته شوند.

کتاب، ضمیمه مفصلی دارد که بیانگر موضوعات تفصیلی حقوق عمومی در نهج البلاغه از دیدگاه نویسنده است و در آن متن عربی به همراه ترجمه آن به تفکیک موضوع، آدرس و متن آورده شده است.

نویسنده کتاب، آقای دکتر مسلم آقایی طوق، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری و از استادان حقوق عمومی است. رتبه های اول ایشان در آزمون ورودی دوره کارشناسی ارشد حقوق عمومی، فارغ التحصیلی دوره کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی و آزمون ورودی دکترای حقوق عمومی دانشگاه تهران و نیز علائق تحقیقاتی ایشان به مباحث حقوق اساسی و حقوق اداری و آثار متعدد منتشر شده از وی در قالب کتاب و مقاله^۱، بر شایستگی نامبرده در نگارش چنین اثری صحه می گذارد.

۳. بررسی ابعاد شکلی اثر

۳-۱. نقاط قوت

۳-۱-۱. کتاب از نظر قطع، اندازه و نوع قلم و نیز صفحه آرایی مناسب به نظر می رسد.
۳-۱-۲. نوع نگارش رسا و روان و به دور از تکلف و پیچیدگیهای عبارتی است و اغلاط نگارشی آن نیز بسیار کم است.
۳-۱-۳. ترجمه عبارات، نوعا مناسب بوده و تمامی عبارات عربی اعراب گذاری شده اند. این امر، خواننده را در خواندن صحیح یاری می کند.
۳-۱-۴. حجم کتاب تا آن جا که به متن اصلی مربوط می شود با ۲۴۰ صفحه (بدون در نظر گرفتن ضمیمه مفصل آن)، جاذبه اولیه را برای مطالعه در خواننده ایجاد می کند.
۳-۱-۵. فهرست منابع به صورت استاندارد تنظیم شده و به لحاظ تعدد و تنوع منابع نیز با در نظر گرفتن ۴۲ کتاب و ۴۴ مقاله مورد استناد، نشان از تتبع لازم از سوی نویسنده دارد.
۳-۱-۶. به طور کلی می توان گفت که کیفیت فنی اثر به لحاظ حروف نگاری، صفحه آرایی و صحافی نسبتا خوب و قواعد عمومی نگارش نیز در آن تا حد زیادی رعایت شده است.

۳-۲. نقاط ضعف

۳ ۴ ۶. عدم رعایت تناسب حجمی فصلها

در حالی که فصلهای پنجم، هفتم و نهم به ترتیب پنج صفحه (۱۰۳-۱۰۷)، هفت صفحه (۱۴۵-۱۵۱) و شش صفحه (۱۸۳-۱۸۸) را به خود اختصاص داده اند، فصلهای چهارم،

ششم، هشتم و دهم، به ترتیب ۲۷ صفحه (۷۵-۱۰۱)، ۳۶ صفحه (۱۰۹-۱۴۴)، ۳۰ صفحه (۱۵۳-۱۸۲) و ۲۸ صفحه (۱۹۱-۲۱۹) می‌باشند. این امر به روشنی گویای آن است که در طراحی اولیه و فصل بندی ها کتاب، دقت لازم به عمل نیامده است.

۳ ۴ ۴. عدم سازماندهی مناسب کتاب

یکی از نقدهای جدی وارد بر کتاب که از جهتی شکلی و از منظری محتوایی نیز می‌باشد، سازماندهی نامناسب آن است. بخشی از این نقیصه به عدم رعایت تناسب حجمی فصلها بر می‌گردد و بخشی دیگر به نوع دسته بندی مطالب از سوی نویسنده مربوط می‌شود. بسیار بجا و شایسته بود که نویسنده آنچه را که در اولین سطر از کتاب خود آورده است (ص ۱۱)، مبنای شکل‌گیری فصلها قرار می‌داد؛ بدین صورت که برای هریک از سه شاخه اصلی حقوق عمومی یعنی حقوق اساسی، حقوق اداری و حقوق مالی، فصل مستقلی در نظر گرفته می‌شد و قبل از این سه فصل، فصل اول اختصاص به «مبانی و اصول حقوق عمومی در نهج البلاغه» پیدا می‌کرد. با در نظر گرفتن این چهار فصل برای کتاب، نویسنده محترم قادر بود تمامی مطالب را ذیل این فصلها قرار دهد. صورت بندی فعلی فصلها، افزون بر اشکال ساختاری، دارای اشکالهای محتوایی زیادی است که در قسمت بررسی محتوایی به آنها اشاره خواهد شد.

۳ ۴ ۳. تفصیل بیش از حد ضمیمه کتاب

ضمیمه کتاب که نقل عبارات نهج البلاغه است، دقیقاً یک سوم کتاب را به خود اختصاص داده است (۱۲۰ صفحه (۲۴۱ تا ۳۶۰)). با توجه به این که سخنان و نامه های امیر مومنان در لابلای کتاب آورده شده است، بیان مجدد این ها زیر عنوان دسته بندی موضوعی که مشتمل بر متن حدیث به صورت کامل و ترجمه آن است، به صورت فعلی مناسب به نظر نمی‌رسد و تعداد صفحات کتاب را افزایش غیر ضروری داده است. نویسنده محترم می‌توانستند این ضمیمه را حد اکثر در ۳۰ تا ۴۰ صفحه گزارش کنند.

۳ ۴ ۴. چاپ نامناسب برخی از صفحات

سطرهای صفحات سمت چپ از فصل های پنجم و ششم (۱۰۵-۱۳۳) مستقیم نیست و انحراف در آن در برخی از صفحات کاملاً پیدا و محسوس است.

۳ ۴ ۵. عدم شماره گذاری عناوین فرعی

هیچ یک از عناوین فرعی که ذیل هر فصل آورده شده، شماره گذاری نشده اند. این نقص در تمامی فصلهای یازدگانه کتاب به چشم می خورد و شاید بتوان دلیل آن را شتابزدگی در تدوین کتاب دانست.

۳ ۴ ۶. اشکالات املائی و نگارشی

خطاهای املائی و نگارشی هرچند کم ولی در موارد زیر به چشم می خورد:

«فصل دوم به مطالعه ویژگیهای زمامدار مطلوب از نظر نهج البلاغه می پردازد» (ص ۱۴، ۱۰ سطر به آخر) صحیح آن فصل سوم است. در همین صفحه و صفحه پس از آن، ترتیب فصلهای سوم، چهارم، پنجم، ششم، هفتم و هشتم باید به فصلهای چهارم، پنجم تا نهم تغییر یابند و این به خاطر آن است که فصل دوم در ص ۱۴ دو بار تکرار شده و نویسنده محترم توجه به ترتیب فصلهای بعدی نکرده است. «نهج البلاغه دارای ظرفیت های بسیاری بالایی برای ورود...» (ص ۲۳). «بر اساس اقامه عدم و حق و برقراری نظام امور اجتماعی» (۲۹). «مباحث مربوط به مقبولیت نظام، تحت شعاع قرار می گیرد» (ص ۳۰). «انسان تنها در یک کار به خصوص می توان مهارت کسب کند» (۱۵۱ پاراگراف آخر). «شخص معلوم الحال علیه امام یک موضع تندی را اتخاذ کرده و علیه ایشان صریحا انتقاد کرده اند» (ص ۱۳۴ سطر ۱۰). «خطبه ۱۹ مزبور، روایتی از جریان توهین اشعث بن قیس به امام و خویشانش داری امام با او.» (ص ۱۳۴ پاراگراف آخر) عبارت صحیح «با اوست» می باشد.

۳ ۴ ۷. نقل متن های عربی طولانی

نویسنده در موارد متعددی متن کامل یک حدیث را از نهج البلاغه به همراه ترجمه آن آورده است (به عنوان نمونه صفحات ۳۱، ۴۱، ۶۵، ۶۶، ۷۳، ۸۸، ۱۳۰، ۱۵۰، ۲۱۷، ۲۱۸). با توجه به این که همین عبارات در ضمیمه کتاب با تفصیل بیشتر آورده شده اند، اولاً ضرورتی برای نقل متن عربی آنها وجود ندارد و ثانیاً در صورتی که ضرورت اقتضا کند می توان متن عربی را به پانوشته منتقل کرد و در متن کتاب به ترجمه حدیث اکتفا نمود.

۴. بررسی ابعاد محتوایی اثر

۴-۱. امتیازها

۴-۱-۱. رویکرد اسلامی به حقوق عمومی

از امتیازات مهم و برجسته این کتاب، ترویج گفتمان حقوق عمومی در ادبیات دینی است. هرچند در حقوق بشر، آثار متعددی از نویسندگان اسلامی منتشر شده که از آخرین نمونه آن می‌توان از کتاب نظام حقوق بشر اسلامی اثر حجه الاسلام و المسلمین دکتر ارسطو نام برد، اما در ارتباط با حقوق عمومی سوگمندان تلاش‌های درخوری صورت نگرفته است. تنها می‌توان از همایش بین‌المللی حقوق عمومی در قرآن کریم یاد کرد که آبان ۱۳۹۱ در دانشگاه شهید بهشتی برگزار و مجموعه مقالات آن در سال ۱۳۹۳ منتشر گردید. اثر دیگر در این زمینه کتاب مبانی حقوق عمومی در اسلام آقای دکتر محمد جواد جاوید است که مباحث حقوق اساسی را در قرآن کریم مورد بررسی قرار داده است. به برخی از پایان‌نامه‌ها دانشگاهی نیز می‌توان اشاره کرد؛ مانند مفهوم و حقوق شهروندی در نهج البلاغه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی از خانم مهدیه عربی فر به راهنمایی دکتر غلامرضا بهروزلک که در سال ۱۳۸۸ در دانشگاه باقر العلوم دفاع شده است. بدین ترتیب نگارش این کتاب را که اختصاص به حقوق عمومی در نهج البلاغه دارد باید در شمار نخستین گام‌ها در این حوزه دانست که از باب «الفضل لمن سبق» به خودی خود، امتیازی برای نگارنده آن محسوب می‌شود.

۴-۱-۲. تامل گسترده در نهج البلاغه

سعی بلیغ نویسنده به لحاظ تتبع و جست و جو جهت استخراج مفاهیم متناسب با حقوق عمومی از نهج البلاغه، ستودنی است. با مروری بر کتاب می‌توان دریافت که نویسنده در تلاش برای انطباق عناوین حقوق عمومی با سخنان امیر مومنان، بارها نیازمند تامل و تفحص در سرتاسر نهج البلاغه بوده است زیرا همان‌گونه در بند پیشین اشاره شد، دسته‌بندی موضوعی در حوزه حقوق عمومی پیشتر صورت نگرفته است.

۴-۱-۳. انطباق صحیح عناوین با نمونه‌های انتخابی

به جز مواردی که در قسمت نقاط ضعف، اشاره خواهد شد، در سایر موارد -که البته فراوانند- میان عنوان انتخابی و متن‌های نهج البلاغه که مورد استناد قرار گرفته‌اند،

هماهنگی وجود دارد. به سخن دیگر، نویسنده در گزینش عبارات امیر مومنان و برقراری رابطه میان این عبارات و تعابیر مصطلح در حقوق عمومی، در غالب موارد به درستی عمل کرده است. به عنوان نمونه وقتی برای «شایسته سالاری» در حوزه های مختلف کارگزار حکومتی، نظامی و قضایی به نامه های ۵۳ و ۲۵ و خطبه های ۱۶۴ و ۱۲۶ استناد می شود (صفحات ۷۸-۸۴)، هر خواننده به خوبی جایگاه شایسته سالاری در نظر علی علیه السلام را درمی یابد. و همین گونه است در مورد آزادی بیان (ص ۱۳۰-۱۳۱)، شفافیت (ص ۱۶۷)، حاکمیت قانون (ص ۱۷۷-۱۸۱)، لزوم اعتماد متقابل مردم و دولت (ص ۲۱۶-۲۱۸)، مبارزه با فساد مالی (ص ۲۲۱-۲۲۷).

۴-۱-۴. تحفظ بر نهج البلاغه

از امتیازات دیگر کتاب را می توان تحفظ بر استناد به نهج البلاغه در کل کتاب دانست. نویسنده جز در یکی دو مورد که به آیات قرآن و روایت نبوی (صفحه ۷۶، ۷۷) یا کتاب غررالحکم (ص ۸۰) استناد کرده است، در سایر موارد از محدوده نهج البلاغ خارج نشده است.

۴-۲. کاستی ها

۴-۲-۱. عدم نظم منطقی و انسجام محتوایی

۴-۲-۱-۱. آنچه که در فصل اول با عنوان «رابطه حقوق عمومی با نهج البلاغه» در ۱۰ صفحه آمده است، به لحاظ محتوا مناسب مباحث مقدماتی است و لازم است به «درآمد» کتاب منتقل شود. در این فصل نویسنده به معرفی نهج البلاغه و جایگاه آن و شرحهایی که در مورد آن نوشته شده، پرداخته و اشاره ای هم به موضوعات حقوق عمومی در نهج البلاغه کرده است.

۴-۲-۱-۲. مدعای مطرح شده در آغاز کتاب این است که آن را می توان «نوعی کتاب مرجع» (ص ۱۴) در ارتباط با حقوق عمومی در نهج البلاغه در نظر گرفت. این کتاب در صورتی می تواند مرجع تلقی شود که از ساختار و دسته بندی رایج در حقوق عمومی تبعیت کند. متأسفانه این ساختار به هیچ وجه در کتاب رعایت نشده و اساساً روشن نیست که دسته بندی و عنوان گذاری فصلها بر چه مبنا و اساسی صورت گرفته و از کدام روش و الگویی پیروی شده است. اگر مبنای دسته بندی، شاخه های اصلی

حقوق عمومی باشد، این کتاب نباید بیش از چهار فصل داشته باشد. فصل اول به مبانی و اصول حقوق عمومی و سه فصل دیگر به ترتیب به حقوق اساسی، حقوق اداری و حقوق مالی اختصاص یابد. اگر مبنای دسته بندی موضوعات حقوق عمومی است می توان سازماندهی کتاب را به صورت زیر انجام داد. فصلی به کلیات، فصلی به مباحث حاکمیت و منشا مشروعیت آن، فصلی به حکومت و نهادها و صلاحیتهای آن و فصلی به حقوق و آزادیهای عمومی. شبیه این تقسیم بندی را می توان در کتاب مجموعه مقالات همایش بین المللی حقوق عمومی در قرآن کریم مشاهده کرد. (مجموعه مقالات همایش بین المللی حقوق عمومی در قرآن کریم، ۱۳۹۳).

۴-۲-۱-۳. فصل پنجم کتاب که مربوط به حقوق اساسی است، تنها پنج صفحه را به خود اختصاص داده است. نویسنده محترم که خود از استادان حقوق عمومی اند به خوبی می دادند که حقوق اساسی مهمترین شاخه حقوق عمومی است و انبوهی از موضوعات مربوط به حاکمیت و دولت، نهادهای حکومتی و حقوق ملت، در زیر مجموعه آن قرار می گیرد. متأسفانه قسمتی که بیشترین اهمیت و حساسیت را داراست، مورد بیشترین بی مهری واقع شده و کمترین مقدار از صفحات یعنی حدود یک پنجاهم کتاب برای آن در نظر گرفته شده است!! این همه در حالی است که بسیاری از مباحث مطرح شده در فصلهای دیگر به لحاظ محتوایی مربوط به حقوق اساسی اند. به عنوان مثال، تمامی مباحث فصل سوم با ۲۳ صفحه (۵۱-۷۳) که به ویژگیهای زمامداران مربوط می شود، لازم است در فصل حقوق اساسی آورده شود. در فصل ششم نیز که با ۳۶ صفحه (۱۰۹-۱۴۴)، به بیان حق های انسان زیر عنوان حقوق بشر و شهروندی، اختصاص یافته است، همگی مربوط به حقوق اساسی اند و همین گونه است مطالبی که در فصل نهم با عنوان اصول سیاست گذاری و قانون گذاری (۱۸۳-۱۸۹) آمده است. بدین ترتیب اضافه کردن سه فصل با عناوین مستقل نه تنها سودمند نبوده بلکه به لحاظ محتوایی، نوعی آشفتگی و به هم ریختگی را به دنبال خواهد داشت.

۴-۲-۱-۴. در حالی که فصل چهارم کتاب با عنوان اصول حقوق اداری است، در فصل هفتم نیز زیر عنوان مسائل مربوط به ساختار نظام در هفت صفحه (۱۴۵-۱۵۱) به موضوعاتی چون عدم تراکم امور در مرکز، اشاره شده است. همان گونه که روشن است مباحث مربوط به سیستم اداره کشور (سیستم تمرکز، عدم تراکم و عدم تمرکز) مربوط به حقوق اداری است و لازم است ذیل فصل چهارم به آن پرداخته شود.

از سوی دیگر که آنچه در بادی امر از «ساختار نظام» به نظر می رسد، مفاهیمی هستند که در شکل گیری دولت دخالت دارند. و به همین جهت برخی از نویسندگان، ساختار دولت را در مفاهیمی چون «امت، امامت، خلافت، امارت، حکومت، ولایت که در متون اسلامی تکرار شده اند»، جست و جو کرده اند (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۱۴).

۴-۲-۲. عدم دقت محتوایی

در تعریف حقوق عمومی آمده است که «حقوق عمومی شاخه ای از دانش حقوق است که به بررسی و تنظیم روابط میان قدرت عمومی و شهروندان می پردازد» (ص ۲۱). این تعریف شامل تنظیم روابط میان نهادهای دولتی نمی شود و از این جهت دقت لازم در آن وجود ندارد. در تعریف حقوق عمومی نباید قواعد حاکم بر تنظیم روابط میان نهادهای قدرت عمومی نادیده گرفته شود و تنظیم روابط محدود به روابط میان قدرت عمومی و شهروندان گردد. «حقوق عمومی آن بخش از قواعد حقوقی است که روابط دولت، سازمانهای دولتی و سازمانهای جانشین را با یکدیگر، با آحاد مردم، با اشخاص حقوقی حقوق خصوصی و با دیگر دولتها از مقام اعمال حاکمیت تنظیم می کند» (دانش پژوه، ۱۳۸۹: ۲۱). به سخن دیگر «مطالعه و تدبر در باره قواعد حقوقی حاکم بر عمل زمامداری از کارویژه های این رشته علمی است» (گرگی، ۱۳۹۳: ۵).

به نظر نویسنده «شهروند فردی است که در ساختار اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه حضور دارد و در تصمیم سازی، تصمیم گیری و شکل دهی آن به طور مستقیم یا غیر مستقیم دخیل است» (ص ۱۱۰). این تعریف نیز دقیق نیست زیرا مطابق آن، یک ایرانی در صورتی که در هیچ انتخاباتی شرکت نکند و در تصمیم سازی یا تصمیم گیری کشور حضور نداشته باشد، نمی توان آن را شهروند دانست. روشن است که چنین چیزی صحیح نیست. فارق اصلی میان حقوق بشر و حقوق شهروندی را باید در عنصر تابعیت سراغ گرفت و اساسا مطابق برخی از برداشتها مفهوم شهروند و شهروندی با تابعیت گره خورده است (ر. ک. دانش پژوه، ۱۳۸۱: ۳۶). بر این اساس شهروند به فروند اطلاق می شود که تابعیت دولتی را داشته باشد و تابعیت عبارت است از رابطه حقوقی و سیاسی یک شخص با دولت معین. مفهوم شهروندی را می توان از مقایسه میان حقوق بشر و حقوق شهروندی به دست آورد. حقوق بشر با ماهیت جهانی خود، محدود به جغرافیا، ملت و حکومت خاصی نیست ولی حقوق

شهروندی برای ملتی خاص در نظر گرفته می‌شود که تحت حاکمیت دولت معینی هستند

در فصل دوم با عنوان «نظریه دولت» این محورها مورد توجه قرار گرفته است: ضرورت وجود حکومت، وسیله بودن دولت، مقبولیت مردمی نظام، امانت بودن حکومت، فساد آوری بودن قدرت، همبستگی و جامعه مشارکتی (صفحات ۲۷-۵۰). مروری بر مطالب مطرح شده در این فصل روشن می‌سازد که محورهای یادشده اولاً نمی‌توانند بیانگر نظریه دولت باشند و ثانياً انسجام و ارتباط منطقی میان این محورها وجود ندارد. اگر به جای عنوان «نظریه دولت»، عنوان «مبانی و اصول حقوق عمومی» برای این فصل انتخاب می‌شد، راه برای بهره‌گیری از مباحث نهج البلاغه - که در این زمینه بسیار غنی است - باز می‌شد و کتاب در فصول آغازین، گام خود را محکم و متقن بر می‌داشت.^۲ در حقوق عمومی اگر بناست به مباحث مبنایی پرداخته شود لازم است مباحث مربوط به دولت در قالب حاکمیت و منشا مشروعیت آن در یک فصل مستقل مورد بحث و بررسی قرارگیرد و سپس به اصول کلیدی حقوق عمومی اشاره شود.

در فصل سوم «سلامت و پاک دستی» به عنوان یکی از ویژگیهای زمامداران نام برده شده است (ص ۵۳)، در حالی که عنوان مناسب‌تر برای آن که هم در ادبیات دینی و هم در ادبیات حقوقی رایج است «عدالت» می‌باشد.

در همین فصل عنوان دیگر انتخابی از سوی نویسنده محترم «عدم پرستش دنیا» است (ص ۵۵) در حالی که در هیچیک از سخنان امیر مومنان که مورد استناد قرار گرفته است، اشاره‌ای به پرستش دنیا نیست بلکه مفاد فرمایشات حضرت، نفی و نهی از دنیاطلبی است و بحثی از دنیا پرستی به میان نیامده است.

در فصل ششم که فهرستی از حقوق بشر و شهروندی ارائه شده است دو عنوان حق بر دانستن (ص ۱۲۶-۱۲۷) و حق بر آموزش (ص ۱۲۸-۱۳۰) به صورت جداگانه آماده است در حالی که به لحاظ محتوا این دو بر یک امر دلالت دارند.

۴-۲-۳. نقائص محتوایی

آنچه از کتاب حقوق عمومی در نهج البلاغه انتظار می‌رود این است که بنیان‌های حقوق عمومی از جمله مبانی و عناصر مشروعیت حکومت مورد عنایت خاص قرارگیرند و به مباحث کلان آن یعنی مقوله‌هایی چون قدرت و حاکمیت که در نهج

البلاغه فراوان مورد بحث قرار گرفته است، بپردازد^۳. متأسفانه به این مبحث بسیار مهم، بسیار کم‌رنگ و در حد چند صفحه در فصل دوم، اشاره شده است. در فصل سوم که به بیان ویژگیهای زمامداران اختصاص دارد به دو ویژگی مهم که علم و توانمندی است، اشاره ای نشده در حالی که این دو ویژگی به زیبایی و رسایی تمام مورد توجه حضرت قرار گرفته بوده است. «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳): ای مردم بدانید که شایسته ترین انسانها نسبت به خلافت، توانمندترین آنان و داناترینشان به احکام الهی است.

۴-۲-۴. خطاهای محتوایی

نویسنده پس از نقل آنچه که کنگره امریکا در سال ۱۹۵۸ کد اخلاقی خدمات دولتی طی ۱۰ بند بیان کرده و تمامی مقامات دولتی این کشور را نسبت به انجام آن متعهد می کند، می نویسد: «موارد متعددی در نهج البلاغه وجود دارد که با بندهای مختلفی از این قانون هم خوانی دارد» (ص ۲۴). جایگاه امیر مومنان و شخصیت بی نظیر او و نیز گرانشنگی نهج البلاغه ایجاب می کند که همخوانی مفاد کد اخلاقی مذکور با نهج البلاغه بیان شود و نه عکس آن. افزون بر جایگاه نهج البلاغه، تقدم زمانی این سخنان نسبت به مصوبات کنگره، نیز ایجاب می کند که آنچه مبنای مقایسه قرار می گیرد، نهج البلاغه باشد. البته در پاراگراف آخر ص ۲۴ این نهج البلاغه است که مبنای مقایسه قرار می گیرد.

در فصل دوم، نویسنده محترم در تایید نظریه تفکیک قوا می گوید «امام نیز در نهج البلاغه به این مساله اشاره کرده و قدرت را ذاتا فساد آور دانسته است. ایشان در جایی می فرمایند «مَنْ مَلَكَ اسْتَأْتَرَ»؛ هر کس قدرت به دست آورد زورگویی دارد» و در جای دیگری نیز می فرمایند «مَنْ نَالَ اسْتَطَالَ» کسی که به نوایی رسید تجاوز کار شد» (ص ۳۷-۳۸). تعابیر امام گویای این واقعیت است که به دست گرفتن حکومت و قدرت، وسوسه انگیز است و به همین جهت نوعا افراد را به سمت دیکتاتوری و سلطه جویی سوق می دهد. از این تعابیر به هیچ وجه نمی توان این برداشت ناصواب را داشت که قدرت ذاتا فساد آور است. نویسنده محترم گویا به لوازم غیر قابل قبول چنین برداشتی تامل نکرده است زیرا اگر این امر کلیت داشته باشد، ساحت قدسی امیر مومنان را نیز دربرخواهد گرفت.

عنوان نافرمانی مدنی یکی از عناوینی است که ذیل حقوق بشر و شهروندی در فصل ششم ذکر شده است. برداشت ظاهری از چنین عنوانی به رسمیت شناخته شدن نافرمانی مدنی به عنوان یک حق است در حالی که مطالب مورد استناد بر خلاف آن دلالت دارد. امیر مومنان در این زمینه از مردم شکوه می‌کند که (ص ۱۳۹-۱۴۰). جالب این جاست که نویسنده می‌نویسد که امام در مقابل نافرمانی مردم، حرکت تند و تنبیهی از خود نشان نداده و صرفاً به بیان موعظه و نصیحت اکتفا کرده است (ص ۱۳۹) در حالی که در صفحه بعد، شدیدترین نکوهش‌ها از زبان امیر مومنان نقل شده است با این تعبیر که خدا شما را بکشد که با نافرمانی و ذلت‌پذیری رای و تدبیر مرا تباه کردید (ص ۱۴۰).

۴-۲-۵. خروج موضوعی

در فصل سوم در حالی نامه ۶ نهج البلاغه مورد استناد قرار می‌گیرد که حضرت در مقام استدلال به بیعت مردم با وی در مقابل معاویه می‌باشد و سخنان حضرت اساساً ناظر به ویژگی‌های زمامدار نمی‌باشد. (ص ۵۰-۵۱)

در فصل ششم که عنوان آن حقوق بشر و شهروندی است، با استناد به نامه ۲۵ نهج البلاغه حدود یک و نیم صفحه در مورد رعایت حال حیوانات، پرهیز از جداکردن حیوانات و نوزادانشان! و عدالت در رفتار با حیوانات، سخن گفته شده است (۱۴۳-۱۴۴). روشن نیست پرداختن به حقوق حیوانات چه ارتباطی با حقوق بشر و شهروندی دارد.

۵. نتیجه‌گیری

۱. نگارش کتاب حقوق عمومی در نهج البلاغه را در منظومه حقوق عمومی در اسلام، باید به فال نیک گرفت و فارغ از نقاط قوت و ضعف آن، به آن خوشامد گفت.

۲. به لحاظ شکلی، نقاط قوت کتاب، افزون بر نقاط ضعف آن بوده و کیفیت فنی اثر نیز تا حد زیادی به استانداردها نزدیک است.

۳. به لحاظ محتوایی، در کنار امتیاز مهم رویکرد اسلامی به حقوق عمومی و برخی امتیازات دیگر، کتاب از نقاط ضعف زیادی هم رنج می‌برد که چون مسبقاً به سابقه نبوده، تا حدی قابل اغماض است. ساختار و سازماندهی کتاب، به صورت جدی نیازمند اصلاح می‌باشد.

۴. رویکرد کلی حاکم بر اثر به طور نسبی پذیرفتنی است و در نیل به اهداف خود، فی الجمله موفق بوده است؛ هر چند کتاب می تواند توسط نویسندگان و یا صاحب نظران دیگر، پالایش شده و به صورت منقح تر عرضه شود.
۵. بیان کاستی های کتاب، به هیچ وجه نافی زحمات نویسندگان و تلاش در خور تحسین آن نمی باشد.

پی نوشت

۱. برخی از این آثار عبارتند از: دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران (کتاب مشترک منتشر شده در سال ۱۳۸۸)، فلسفه حقوق؛ مختصر و مفید (کتاب مشترک منتشر شده در سال ۱۳۸۹)، مرزهای تقنین و اجرا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (کتاب مشترک منتشر شده در سال ۱۳۸۹)، آیین های تصمیم گیری در حقوق اداری (کتاب مشترک منتشر شده در سال ۱۳۸۹)، مطالعه تطبیقی جایگاه رئیس جمهور (کتاب مشترک منتشر شده در سال ۱۳۹۲)، تحلیل اقتصادی حقوق (منتشر شده در سال ۱۳۹۲) و وظایف و اختیارات رئیس جمهور (کتاب مشترک منتشر شده در سال ۱۳۹۴) و حدود ۳۰ مقاله در نشریات مختلف حقوقی.
۲. ر.ک. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی با «اصول و مبانی حقوق عمومی در نهج البلاغه» از آقای رامین موحدی به راهنمایی آقای دکتر ابراهیم موسی زاده، توصیه می شود.
۳. دکتر محمد جواد جاوید در کتاب «مبانی حقوق عمومی در اسلام (حقوقی اساسی و حقوق سیاسی در قرآن کریم) از همین منظر و البته در محدوده قرآن کریم، به بررسی مباحث پرداخته است.

کتاب نامه

نهج البلاغه

- آقایی طوق، مسلم (۱۳۹۴). حقوق عمومی در نهج البلاغه، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی. جاوید، محمد جواد (۱۳۹۴). مبانی حقوق عمومی در اسلام (حقوقی اساسی و حقوق سیاسی در قرآن کریم) تهران: مخاطب.
- دانش پژوه، مصطفی، اسلام و حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول (۱۳۸۱). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: وزارت امور خارجه.
- دانش پژوه، مصطفی، مقدمه علم حقوق، (۱۳۸۹). قم، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سمت.

عمید زنجانی و محمدی، عباسعلی و محمد علی (پاییز و زمستان ۱۳۸۵). «منابع و مبانی حقوق عمومی در اسلام»، اندیشه های حقوقی، شماره یازدهم، تهران.
گرجی ازندریانی، علی اکبر (۱۳۹۳). در تکاپوی حقوق عمومی، تهران: جنگل، جاودانه.
گرجی ازندریانی، علی اکبر (۱۳۹۱). مبانی حقوق عمومی، تهران: جنگل، جاودانه.
مجموعه مقالات همایش بین المللی حقوق عمومی در قرآن کریم (۱۳۹۳). تهران: ریاست جمهوری.